بررسی تأثیر کارگاه آموزشی بر آگاهی مربیان آموزشگاه‌های بهورزی استان اصفهان در زمینه فرایند یاددهی و یادگیری

حسین شهنازی [۱]، غلامرضا شریفی‌راد [۲]، عبدالرحمان چرکزی [۳]، میترا مودی [۴]

چکیده

مقدمه: آموزش بهورزان به دلیل مسؤولیت‌های آموزشی و خدماتی این گروه و همچنین برقراری ارتباط مستقیم با گیرندگان خدمات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به نظر می‌رسد که آموزش و توانمندسازی مربیان آموزشگاه‌های بهورزی در زمینه فرایندهای یاددهی و یادگیری مانند شیوه‌های تعیین اهداف آموزشی، استفاده از تکنولوژی آموزشی مناسب و ... می‌تواند گامی مؤثر در جهت تربیت نیروهای کارامدتر و همچنین کاهش هزینه‌ها باشد. از این رو این پژوهش با هدف بررسی تأثیر کارگاه آموزشی بر آگاهی مربیان آموزشگاه‌های بهورزی استان اصفهان در زمینه فرایند یاددهی و یادگیری طراحی شد.

روش‌ها: این مطالعه نیمه تجربی و ازنوع قبل و بعد بود که در آن کل جمعیت (۱۰۷ نفر) به روش سرشماری مورد مطالعه قرار گرفتند. مطالعه طی سال ۱۳۸۹ و در مرکز بهداشت استان اصفهان انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها یک پرسش‌نامه محقق ساخته بود که بر اساس اهداف پژوهشی تنظیم شد. پایایی پرسش‌نامه از طریق آزمون χ^2 با ضریب ۷۵ درصد در فاز پایلوت بر روی ۲۰ نفر مورد تأیید قرار گرفت. پرسش‌نامه‌ها قبل و پس از برگزاری کارگاه توسط گروه مخاطب تکمیل شد. داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون‌های آماری t زوجی، Mann- Witney، χ^2 و همبستگی Pearson تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: از ۱۰۷ فرد شرکت کننده در کارگاه تعداد ۴۲ نفر (۳۹/۳ درصد) مرد و تعداد ۶۵ نفر (۶۰/۷ درصد) زن بود. دامنه سنی افراد شرکت کننده بین ۲۴ الی ۵۴ سال با میانگین و انحراف معیار ۶/۳ ± ۳۷/۶ سال بود. نتایج مطالعه نشان داد که آگاهی افراد تحت پژوهش در حیطه‌های مختلف فرایند یاددهی و یادگیری پس از برگزاری کارگاه آموزشی افزایش معنی‌دار پیدا کرده است ($P < ۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری: با توجه به این که نتایج این پژوهش و سایر مطالعات مشابه نشان دهنده تأثیر مثبت رویکردهای مشارکتی از جمله کارگاه‌های آموزشی در یادگیری بهتر مباحث مربوط به فرایند یاددهی و یادگیری می‌باشند، پیشنهاد می‌شود که از این نوع روش‌های مشارکتی مانند بحث گروهی، بارش افکار و ... در آموزش‌های آتی بیشتر استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: آگاهی، یاددهی، یادگیری، کارگاه آموزشی.

نوع مقاله: *تحقیقی*

دریافت مقاله: ۹۰/۰۵/۲۰ *پذیرش مقاله: ۹۰/۰۸/۲۵*

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۲- استاد، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول).

Email: sharifirad@hlth.mui.ac.ir

۳- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گلستان، ایران.

۴- دانشجوی دکتری تخصصی، آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

مقدمه

چگونگی کسب علم و مهارت که منجر به یادگیری عمیق و با دوام شده، قابلیت انتقال به محیط خارج از آموزشگاه را دارا باشد، از دیر باز مورد توجه طراحان و برنامه‌ریزان آموزشی بوده است. گسترش روزافزون علم و فن‌آوری منجر به ایجاد تخصص‌های گوناگون در تمامی زمینه‌ها شده، در این میان نیازها و خواست‌های افراد جامعه افزایش یافته است (۱). در چنین شرایطی برنامه‌ها و روش‌های آموزش سنتی توان حل این مسایل و برآوردن نیازهای جامعه در حال تحول را نداشته، از همگامی با تغییرات شگرف امروزی باز می‌ماند. یکی از مسایلی که سالیان متمادی گریبان‌گیر آموزش گروه‌های پزشکی و بهداشتی بوده است، عدم امکان به کارگیری اطلاعات کسب شده در جامعه می‌باشد (۲، ۱). مسأله دیگری که باعث تشدید این موضوع می‌شود، عدم استفاده از الگوهای آموزشی متناسب با مهارت‌های مورد نیاز نظیر تفکر منطقی، حل مسأله و کار گروهی می‌باشد. در این میان آموزش بهورزان به دلیل مسؤولیت‌های آموزشی و خدماتی این گروه و همچنین برقراری ارتباط مستقیم با گیرندگان خدمات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به نظر می‌رسد که آموزش و توانمندسازی مربیان آموزشگاه‌های بهورزی در زمینه فرایندهای یاددهی و یادگیری مانند شیوه‌های تعیین اهداف آموزشی، استفاده از تکنولوژی آموزشی مناسب، آشنایی با علوم مربوط به روان‌شناسی یادگیری، شیوه‌های طراحی آزمون و ... می‌تواند گامی مؤثر در جهت تربیت نیروهای کارامدتر و همچنین کاهش هزینه‌ها باشد (۳).

گسترش روزافزون دانش پزشکی و پیامد آن شناخت مشکلات متعدد و از طرف دیگر تغییر نگرش از یادگیری "معلم محور" به "فراگیر محور" در آموزش عالی مسؤولیتی جدید را برای برنامه‌ریزان، مدرسان و دانشجویان فراهم ساخته است، که یکی از محورهای اصلی آن انتخاب مناسب‌ترین روش یادگیری و یاددهی مرتبط با حرفه می‌باشد (۱). یادگیری فرایندی است که توسط آن فرد دانشی را کسب کرده، دانش خود را افزایش داده، یا از طریق تجربه رفتار خود را به طریق قابل اندازه‌گیری تغییر می‌دهد. یک یادگیری مؤثر بیش از هر چیز نتیجه یک یاددهی خوب است که در یک محیط یادگیری مناسب و از طریق روش‌های خلاق تشویق کننده یادگیری کسب می‌شود (۳، ۲). ایجاد یک محیط یادگیری مؤثر در جهان امروز کار چندان ساده‌ای نیست و می‌توان اذعان داشت که در آموزش گروه‌های بهداشتی و درمانی پیچیده‌تر هم می‌شود، زیرا میدان تغییرات در مراقبت‌های بهداشتی به ویژه در دهه‌های اخیر بسیار زیاد بوده است (۳). بنابراین استفاده از روش آموزشی مناسب و خلاق برای یاددهی و تشویق فرد به یادگیری از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین مدرسین باید به تفکر در زمینه "چگونه" و "چه محتوایی" بپردازند (۴). Knowles (به نقل از Hewitt-Talor) در دهه ۱۹۸۰ معتقد بود که یادگیری بزرگ‌سالان زمانی در حد مطلوب خواهد بود که خود هدایت شونده "Self-directed" باشد. پیامد این نظریه رویکردهای متعدد یاددهی و یادگیری پیشنهاد شده است که در این میان روش یادگیری بر مبنای مسأله یا "PBL" طبق توصیف مارگتسون کاملاً با یادگیری خود هدایت شونده مرتبط است، چرا که فراگیران با شرکت در آموزش خود هدایت شونده که کارگاه آموزشی "Work shop" نوعی از آن است که به رفع مشکلات تعیین شده می‌پردازند (۵). کارگاه آموزشی یادگیری فعال، خلاق و متفکرانه را تشویق می‌کند. علاوه بر آن توسعه مهارت‌های دیگری چون مهارت‌های ارتباطی، توانایی همکاری مؤثر در گروه، استدلال انتقادی و خود- ارزیابی نیز با برگزاری کارگاه آموزشی فرایند یاددهی و یادگیری ارتقاء می‌یابد (۶). اما با وجود این روش‌های فعال یاددهی و همچنین در دسترس بودن کتاب‌های منبع، رایانه، اینترنت و ... هنوز سخنرانی از روش‌های معمول ارایه اطلاعات به فراگیران می‌باشد، زیرا ایمن‌ترین و آسان‌ترین روش یاددهی بوده، امکان کنترل بیشتر را فراهم می‌سازد (۷). البته هر روش بر اساس ویژگی‌های آن، سبک یادگیری و تمایلات فراگیر دارای تأثیرات متفاوتی بر کسب فرایندهای یاددهی و یادگیری خواهد بود. از این رو تمام اجزای فرایند یاددهی- یادگیری شامل تکنولوژی آموزشی، روش‌های یاددهی- یادگیری و معیارهای ارزشیابی آن باید

مورد بررسی قرار گیرند (۸). طرح این موضوع و بحث‌های گوناگون در زمینه آن موجب انجام تحقیقات بسیاری شده است. برای مثال Carey و Whittaker مطالعه‌ای توصیفی با هدف تعیین تجربیات دانشجویان بهداشت جامعه از فرایند یادگیری بر اساس پی.بی.ال و تأثیر آن بر روی دانش کسب شده آنان انجام دادند که نتایج آن نشان داد که بیشترین درصد (۴۴/۷) افراد فرایند یادگیری را نسبتاً مشکل بیان کرده، اما به هر حال افزایش دانش از طریق کار گروهی را اعلام کرده بودند (۹). Convway و Sharkey نیز نشان دادند که کاربرد تکنیک‌های خلاق و گروهی یادگیری موجب آماده‌سازی فعال دانشجویان پرستاری برای فعالیت در محیط مراقبت‌های اولیه می‌شود (۱۰). از آن جا که اکثر مطالعات انجام گرفته در زمینه اثربخشی آموزش در ایران صرفاً به بررسی ویژگی‌های مربیان کارآمد پرداخته‌اند و در آن‌ها به میزان به کارگیری رفتارهای اثربخش در آموزش کمتر پرداخته شده است و با در نظر گرفتن تأثیر شگرف مربیان در بهبود نتایج یادگیری فراگیران به خصوص در حیطه کار آموزشگاه‌های بهورزی به نظر می‌رسد که برگزاری دوره‌ها، کارگاه‌ها یا برنامه‌های آگاه‌سازی سازماندهی شده در اتخاذ و توسعه رفتارهای مناسب در حین فعالیت‌های یادگیری لازم است. بنابراین مسؤولین آموزشی باید ترتیبی اتخاذ نمایند تا مربیان آموزشی موقعیت‌های منظمی را برای به روز شدن اطلاعات و کسب مهارت‌های تدریس داشته باشند و در پی آن رفتارهای متناسب با سطح اطلاعات فراگیران و نیازهای یادگیری آن‌ها بروز دهند. پژوهش حاضر برای دست‌یابی به اهداف فوق به صورت کارگاه آموزشی فرایند یاددهی و یادگیری ویژه مدیران و مربیان مراکز آموزش بهورزی استان اصفهان طراحی شد.

روش‌ها

مطالعه حاضر نیمه تجربی از نوع قبل و بعد بود که با هدف برآورد تأثیر کارگاه آموزشی بر آگاهی مدیران و مربیان آموزشگاه‌های بهورزی استان اصفهان در زمینه فرایند یاددهی و یادگیری انجام گرفته است. جمعیت مورد مطالعه در این بررسی مدیران و مربیان آموزشگاه‌های بهورزی شبکه‌های بهداشت و درمان استان اصفهان بودند. افرادی که در آموزشگاه‌های بهورزی دارای پست اداری بوده، یا به عنوان مأمور در آن جا مشغول به تدریس بودند، حایز شرایط ورود به مطالعه تشخیص داده شدند. کسانی که در جلسات کارگاه غیبت (حتی یک روز) داشته باشند و یا این که به هر دلیلی تمایل به شرکت در کارگاه را نداشتند، از مطالعه خارج شدند. روش نمونه‌گیری در این تحقیق به صورت سرشماری بوده است. تعداد کل جمعیت واجد شرایط ۱۰۷ نفر بوده، که کل این افراد وارد مطالعه شدند. این پژوهش در معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و در سال ۱۳۸۹ انجام شده است.

جمع‌آوری اطلاعات در زمینه آگاهی جمعیت مورد مطالعه از طریق یک پرسش‌نامه خود ساخته صورت گرفت. پرسش‌نامه مذکور شامل ۶ سؤال در زمینه اطلاعات فردی، ۱۵ سؤال در زمینه تکنولوژی آموزشی، ۱۵ سؤال در زمینه اصول و فنون یادگیری و ۱۵ سؤال در زمینه ارزشیابی و نظارت بود. سؤالات به شکل ۴ گزینه‌ای طرح شده بود، به گونه‌ای که به هر گزینه صیح نمره ۱ و به سایر گزینه‌ها نمره صفر تعلق گرفت.

روایی ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق با روش اعتبار صوری و اعتبار محتوا صورت گرفت. بدین شکل که پرسش‌نامه از طریق مطالعه کتب و مقالات متعدد طراحی شده است و پس از آن توسط متخصصان مربوطه که سابقه برگزاری کارگاه مشابه را داشتند، بررسی و نظرات آنان در جهت روایی پرسش‌نامه اعمال شده است. پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق آزمون Cronbach's alpha با ضریب ۷۵ درصد در فاز پایلوت بر روی ۲۰ نفر مورد تأیید قرار گرفت.

کلیه مدیران و مربیان آموزشگاه‌های بهورزی استان اصفهان به سه گروه تقسیم شدند. برای هر گروه یک کارگاه آموزشی سه روزه در زمینه فرایند یاددهی و یادگیری در سالن کنفرانس مرکز بهداشت استان اصفهان برگزار شد. قبل از شروع هر دوره یک پیش‌آزمون (Pre test) و در انتها یک پس‌آزمون (Post test) جهت مقایسه میزان آگاهی شرکت کنندگان قبل و بعد از کارگاه آموزشی به عمل آمد. طی هر

www.mui.ac.ir

دوره در روز اول کارگاه بعد از بیان اهداف کارگاه پرسش‌نامه سنجش آگاهی توسط شرکت کنندگان تکمیل شد. سپس مطالبی در رابطه با فرایند نیاز سنجی، تکنولوژی آموزشی، مراحل تدوین اهداف آموزشی و چگونگی مدیریت و هدایت بحث گروهی ارایه شد و سپس در زمینه‌های مطرح شده کار گروهی توسط شرکت کنندگان انجام شد. در روز دوم کارگاه بعد از مروری کوتاه بر مطالب روز اول، مباحثی شامل طبقه‌بندی اهداف آموزشی از نظر سه حیطه یادگیری، نظریه‌های یادگیری و فنون مؤثر تدریس مطالبی ارایه و در مورد هر کدام از شرکت کنندگان به انجام کار گروهی پرداختند. در روز سوم و پایانی کارگاه نیز ابتدا بر مطالب روز اول و دوم مروری کوتاه شد و سپس مطالبی در خصوص اهمیت و جایگاه ارزشیابی، انواع ارزشیابی، انواع آزمون‌ها و طراحی سؤالات ارایه و متعاقب آن کار گروهی انجام شد. پس از پایان کارگاه مقرر شد که مدیران و مربیان آموزشگاه‌های بهورزی هر شهرستان به صورت تیمی یک طرح درس نوشته، آن را حداکثر طی دو ماه پس از برگزاری کارگاه به مدرسان ارایه دهند.

داده‌های جمع‌آوری شده در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و بهره‌گیری از آمار توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و آمار تحلیلی (χ^2، t زوجی، Mann- Witney و همبستگی Pearson) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

لازم به ذکر است که قبل از تکمیل پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات کلی در مورد مطالعه به افراد ارایه شد و تمام افراد با رضایت آگاهانه در تحقیق مشارکت نمودند.

یافته‌ها

از ۱۰۷ فرد شرکت کننده در کارگاه تعداد ۴۲ نفر (۳۹/۳ درصد) مرد و تعداد ۶۵ نفر (۶۰/۷ درصد) زن بود. دامنه سنی افراد شرکت کننده بین ۲۴ الی ۵۴ سال با میانگین و انحراف معیار ۶/۳ ± ۳۷/۶ سال بود. دامنه سابقه کار آن‌ها بین ۱ الی ۲۹ سال با میانگین و انحراف معیار ۷/۵ ± ۱۳/۱ سال بود.

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود که میانگین نمرات حیطه‌های مختلف فرایند یاددهی و یادگیری و همچنین نمره کل آن در قبل و بلافاصله بعد از کارگاه آموزشی تفاوت معنی‌داری را نشان می‌دهد.

در مرحله پیش‌آزمون اکثریت شرکت کنندگان دارای آگاهی ضعیفی بودند و هیچ یک از آن‌ها از سطح آگاهی خوبی برخوردار نبودند. اما بلافاصله بعد از برگزاری کارگاه این مقدار برعکس شد و اکثریت افراد از سطح آگاهی خوب در این زمینه برخوردار شدند وهیچ یک در رده ضعیفی قرار نداشتند (جدول ۲).

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار نمرات آگاهی افراد شرکت کننده در کارگاه فرایند یاددهی و یادگیری در قبل و بلافاصله بعد از مداخله در هر کدام از حیطه‌ها

حیطه‌ها	قبل از کارگاه	بلافاصله بعد از کارگاه	نمره t زوج	P	سقف نمره
اهداف آموزشی	۱/۲۵ ± ۱/۰۱	۲/۳۷ ± ۰/۹۸	−۱۱/۷۵۰	۰/۰۰۱	۳
نظریه‌های یادگیری	۳/۹۴ ± ۱/۷۷	۷/۸۹ ± ۱/۶۴	−۱۴/۹۶۰	۰/۰۰۱	۹
فنون مؤثر تدریس	۱/۵۴ ± ۰/۸۴	۲/۱۷ ± ۰/۴۷	−۷/۱۰۳	۰/۰۰۱	۳
نیازسنجی آموزشی	۲/۴۲ ± ۱/۴۱	۴/۶۶ ± ۰/۵۹	−۱۷/۴۳۷	۰/۰۰۱	۵
تکنولوژی آموزشی	۱/۳۴ ± ۱/۱۳	۳/۵۴ ± ۰/۷۹	−۱۵/۳۹۳	۰/۰۰۱	۴
پویایی گروه	۲/۵۷ ± ۱/۲۷	۵/۵۱ ± ۰/۹۲	−۱۵/۶۵۷	۰/۰۰۱	۶
جایگاه و اهمیت ارزشیابی	۱/۲۲ ± ۰/۵۸	۲/۸۸ ± ۰/۷۲	−۲۱/۷۱۴	۰/۰۰۱	۴
انواع ارزشیابی و طرح طرح درس	۲/۰۷ ± ۰/۹۰	۳/۰۰ ± ۰/۷۸	−۹/۱۰۹	۰/۰۰۱	۴
انواع آزمون	۲/۶۸ ± ۱/۲۲	۵/۹۷ ± ۱/۰۳	−۲۳/۴۵۷	۰/۰۰۱	۷
نمره کل	۱۹/۲۳ ± ۴/۰۷	۳۸/۲۹ ± ۳/۴۱	−۳۲/۹۵۲	۰/۰۰۱	۴۵

www.mui.ac.ir

جدول ۲: توزیع فراوانی سطوح آگاهی در افراد شرکت کننده در کارگاه یاددهی و یادگیری در قبل و بلافاصله بعد از مداخله

رده	قبل از مداخله		بلافاصله بعد از مداخله	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
ضعیف	۸۴	۷۸/۷		۰
متوسط	۲۳	۲۱/۳	۹	۸/۳
خوب	۰	۰	۹۸	۹۱/۷
کل	۱۰۷	۱۰۰	۱۰۷	۱۰۰

بر اساس آزمون Mann- Witney تفاوتی بین جنسیت و نمره آگاهی در قبل و بعد از آموزش مشاهده نشد (جدول ۳).

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار نمرات افراد شرکت کننده در کارگاه یاددهی و یادگیری قبل و بلافاصله بعد از مداخله به تفکیک جنس

جنسیت	قبل از مداخله	بلافاصله بعد از مداخله	P
مرد	۱۹/۳۵ ± ۴/۱۶	۳۷/۷۷ ± ۳/۹۱	۰/۸۶۳
زن	۱۹/۱۶ ± ۴/۰۴	۳۸/۶۳ ± ۳/۰۳	۰/۲۱۲

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، افزایش میانگین نمرات در بلافاصله بعد از کارگاه در زنان قدری بیشتر از مردان بوده است، ولی این افزایش از نظر آماری معنی‌دار نبود.

بر اساس تقسیم‌بندی سنی صورت گرفته ۹ نفر (۸/۴ درصد) زیر ۳۰ سال، ۶۳ نفر (۵۸/۸ درصد) بین ۳۰ الی ۴۰ سال، ۳۰ نفر (۲۸ درصد) بالای ۴۰ سال و وضعیت سنی ۶ نفر (۵/۶ درصد) نیز نامشخص بود. آزمون Kruskal-Wallis نشان داد که بین میزان آگاهی گروه‌های سنی مختلف در قبل و بلافاصله بعد از تفاوت آماری معنی‌داری وجود ندارد (جدول ۴).

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، گروه سنی زیر ۳۰ سال بالاترین افزایش نمره بلافاصله پس از مداخله را داشتند، اما این افزایش از نظر آماری معنی‌دار نبوده است.

بر اساس آزمون همبستگی Pearson بین سن و میزان آگاهی در قبل و بعد از آموزش تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد (میزان همبستگی در قبل از آموزش برابر با r = ۰/۰۳۸ بود. این میزان در بعد از آموزش برابر با r = −۰/۱۳۹ بود. نتیجه فوق نشان داد که بلافاصله بعد از مداخله میزان یادگیری با افزایش سن کاهش نشان داد، ولی این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نبود (P = ۰/۲۲۳).

جدول ۴: میانگین و انحراف معیار نمرات افراد شرکت کننده در کارگاه یاددهی و یادگیری قبل و بلافاصله بعد از مداخله به تفکیک گروه‌های سنی

گروه‌های سنی	قبل از مداخله	بلافاصله بعد از مداخله
زیر ۳۰ سال	۱۸/۷۲۰ ± ۳/۷۳۰	۴۰/۲۷۰ ± ۲/۱۳۰
بین ۳۰ الی ۴۰ سال	۱۹/۶۶۰ ± ۳/۹۷۰	۳۷/۹۳۰ ± ۲/۹۹۰
بالاتر از ۴۰ سال	۱۸/۵۰۰ ± ۴/۵۸۰	۳۸/۱۶۰ ± ۴/۵۱۰
آماره X2	۲/۴۳۱	۵/۶۳۶
P	۰/۲۹۷	۰/۰۶۰

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین تأثیر کارگاه آموزشی بر آگاهی مربیان آموزشگاه‌های بهورزی استان اصفهان در زمینه فرایند یاددهی و یادگیری انجام شد. افراد واجد شرایط ۱۰۷ نفر با میانگین سنی ۶/۳ ± ۳۷/۶ بودند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که قبل از مداخله آموزشی ۷/ ۷۸ درصد مدیران و مربیان آموزشگاه‌های بهورزی استان اصفهان از آگاهی ضعیفی نسبت به تکنیک‌های یاددهی و یادگیری برخوردار بودند. اما پس از برگزاری کارگاه ۹۱/۷ درصد از آن‌ها آگاهی‌شان به حد مطلوب (خوب) رسید. علت این که قبل از برگزاری کارگاه اکثر افراد تحت مطالعه از آگاهی ضعیفی برخوردار بودند، شاید این باشد که در رابطه با بسیاری از تکنیک‌های یاددهی و یادگیری تدریس شده در این کارگاه هیچ گونه اطلاعات و یا آموزش قبلی نداشته‌اند. از سوی دیگربه نظر می‌رسد که افزایش زیاد آگاهی مخاطبین پس از مداخله آموزشی نشان از ارایه صحیح و نظام‌مند مطالب در کارگاه آموزشی باشد. در همین ارتباط مطالعه Garet نشان داد که به طور کلی آموزش باعث افزایش آگاهی حدود دو سوم معلمان شرکت کننده در پژوهش شده است (۱۱). همچنین نتایج مطالعه Trigwell و همکاران نشان داد که

www.mui.ac.ir

استفاده از رویکردهای مشارکتی نظیر کارگاه آموزشی نه تنها باعث انتقال آگاهی شده، بلکه ماندگاری مطالب آموزشی را نیز در ذهن افراد افزایش می‌دهد (۱۲). نتایج تحقیق محمدی و همکاران نشان داد که شرکت مربیان در کارگاه آموزشی تأثیر مثبت در افزایش آگاهی و نگرش آن‌ها در زمینه رفتارهای اثربخش آموزش بالینی داشته است (۱۳). عطا'اللهی نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست یافت که آموزش به روش مبتنی بر مسأله مانند کارگاه آموزشی بر میزان یادداری واحدهای مورد پژوهش تأثیر بیشتری نسبت به روش سخنرانی داشته است (۱۴). اما خان و فرید تحقیق خود به تفاوت آماری معنی‌داری بین نمرات آزمون در دو گروه یادگیری مشارکتی و سخنرانی دسترسی نیافتند (۱۵).

نتایج این تحقیق نشان داد که میانگین نمره آگاهی مدیران و مربیان آموزشگاه‌های بهورزی استان اصفهان قبل و بعد از برگزاری کارگاه در تمام حیطه‌ها شامل اهداف آموزشی، نظریه‌های یادگیری، فنون مؤثر تدریس، نیازسنجی آموزشی، تکنولوژی آموزشی، پویایی گروه، جایگاه و اهمیت ارزشیابی، انواع ارزشیابی و طرح درس و انواع آزمون اختلاف معنی‌دار دارد ($P = ۰/۰۰۱$). در خصوص تکنیک‌های نیازسنجی، نتایج مطالعه حاضر نشان داد که میانگین نمره آگاهی افراد شرکت کننده پس از برگزاری کارگاه نسبت به قبل از آن افزایش معنی‌دار پیدا کرده است. نتایج مطالعات شهرزادی و همکاران (به نقل از کریمی و همکاران) که در شهر اصفهان انجام شده است، یافته‌های پژوهش حاضر را تأیید می‌کند (۱۶). نتایج این تحقیق همچنین نشان داد که برگزاری کارگاه باعث افزایش آگاهی شرکت کنندگان در رابطه با نحوه اهداف آموزشی شده است. در همین ارتباط تحقیقی توسط محمدی و همکاران در دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شده است، نتایج آن با مطالعه حاضر همخوانی دارد. البته قابل ذکر است که گروه هدف این مطالعه اعضای هیأت علمی دانشگاه بوده‌اند. در بخشی از این مطالعه (محمدی و همکاران) آمده است که در مورد اهداف تربیت دانشجو ۵۵/۴ درصد از مخاطبین معتقدند که این اهداف منطبق با نیازهای حرفه‌ای دانشجویان نبوده، متناسب با نیازهای جامعه نیست (۱۷). نتایج مطالعه حاضر نشان داد که برگزاری کارگاه یاددهی و یادگیری در افزایش آگاهی مربیان در رابطه با مباحث مربوط به تکنولوژی آموزشی مؤثر بوده است. مطالعه‌ای توسط درخشان و همکاران نشان می‌دهد که علاوه بر وجود مشکلاتی نظیر کمبود میزان دسترسی به وسایل جدید آموزشی و عدم آشنایی با کاربرد این وسایل، مهم‌ترین دغدغه‌ای که از سوی مخاطبین عنوان شده است، نیاز به تشکیل کارگاه‌های آموزشی در خصوص آشنایی با مبانی نظری تکنولوژی می‌باشد (۱۸). نتایج مطالعه ما در خصوص فنون تدریس نشان داد که آگاهی مخاطبین بعد از برگزاری کارگاه نسبت به قبل از آن افزایش معنی‌دار پیدا کرده است. در همین خصوص نتایج مطالعه نوحی و همکاران نشان داد که نمره آگاهی و نگرش افراد شرکت کننده در کارگاه فنون تدریس پس از برگزاری کارگاه افزایش معنی‌دار داشته است که این بخش از مطالعه آن‌ها با نتایج مطالعه ما همخوانی دارد. اما در بخش دیگر این مطالعه آمده است که میانگین نمره عملکرد افراد قبل و بعد از برگزاری کارگاه اختلاف معنی‌دار ندارند که در این بخش با نتایج مطالعه ما در تضاد است (۱۹). شاید علتش در نوع سنجش عملکرد مخاطبین باشد که در این دو مطالعه متفاوت بوده است. در مطالعه نوحی وهمکاران سنجش عملکرد از طریق پرسش‌نامه بعد از برگزاری کارگاه صورت گرفته است. اما با توجه به این که برای سنجش عملکرد نیاز به یک فاصله (از زمان برگزاری کارگاه) می‌باشد، ما تصمیم گرفتیم که برای سنجش عملکرد افراد انجام یک پروژه در فیلد کاری تعریف کنیم. نتیجه مطالعه حاضر در خصوص نیازسنجی نشان دهنده تأثیر مثبت کارگاه در افزایش آگاهی افراد در خصوص نیازسنجی آموزشی بود. در مطالعه سلطانی عربشاهی و همکاران (۲۰) و بذرافکن و همکاران (۲۱) نیز نتایجی مشابه با نتایج مطالعه حاضر به دست آمده است. در رابطه با مبحث پویایی گروه، نتایج مطالعه ما نشان داد که بین آگاهی مربیان آموزشگاه‌های بهورزی قبل و بعد از برگزاری کارگاه اختلاف معنی‌دار وجود

www.mui.ac.ir

دارد. نتایج مطالعه حسنیان در رابطه با سبک رهبری مدیران گروه‌های آموزشی دانشگاه علوم پزشکی همدان نشان داد که بیشترافراد از سبک رهبری هدایت کننده استفاده می‌کردند (۲۲)، این سبک یکی از مباحثی بود که به عنوان یک روش مطلوب در مبحث پویایی گروه در مطالعه حاضر و طی برگزاری کارگاه به شرکت کنندگان آموزش داده شد. در رابطه با انواع ارزشیابی و اهمیت آن نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بعد از برگزاری کارگاه آموزشی آگاهی مخاطبان افزایش معنی‌دار یافته است. در این خصوص نتایج مطالعه معطری و همکاران نشان داد که برگزاری کارگاه آموزشی تأثیر مثبتی بر آگاهی و نگرش اساتید دانشگاه در خصوص روش‌های ارزشیابی داشته است، این یافته‌ها هماهنگ با نتایج مطالعه ما می‌باشد (۲۳). نتایج مطالعه حاضر نشان داد که آگاهی افراد شرکت کننده بعد از برگزاری کارگاه در خصوص نوشتن صحیح طرح درس افزایش معنی‌دار پیدا کرده است. در همین خصوص نوحی وهمکاران (۲۴)، نوا ابراهیم و کریمی (۲۵) و منصوریان و همکاران (۲۶) در مطالعات خود به نتایج مشابهی دست یافتند.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش در مجموع مؤید این نکته می‌باشد که برگزاری کارگاه آموزشی به دلیل ماهیت مشارکتی آن در زمینه افزایش آگاهی مربیان آموزشگاه‌های بهورزی در رابطه با فرایند یاددهی و یادگیری تأثیر مثبت داشته است. همچنین بر اساس بررسی متون انجام شده مشخص شد که برگزاری این کارگاه به دلیل آموزش گام به گام مباحث و وجود مواردی چون روش‌های آموزش و ارزشیابی که مستقیماً با عملکرد مربیان بهورزی ارتباط دارد، تأثیر بیشتری نسبت به کارگاه‌های برنامه‌ریزی آموزشی داشت که به دفعات برای این گروه اجرا شده است. البته اگر زمینه اجرای دانش و مهارت‌های فرا گرفته شده فراهم نشود، نه تنها دستاورد مثبتی به همراه نخواهد داشت، بلکه در نگرش افرادی که در کارگاه‌های آتی شرکت خواهند کرد، نیز تأثیری منفی بر جای خواهد گذاشت. از دیگر نکاتی که نتایج این تحقیق نشان داد، تأثیر مثبت کارگاه بر نگرش مربیان بهورزی در رابطه با تغییر وضعیت آموزشی از ایجاد یادگیری غیر فعال به سمت یادگیری فعال است. بنابراین پیشنهاد می‌شود که اولاً نتایج این کارگاه با سرفصل‌های مربوطه در اختیار مراکز بهداشت سایر استان‌های کشور قرار گیرد، تا با برگزاری آن شاهد سیستمی هماهنگ و پویا در تربیت بهورز در سرتاسر کشور باشیم و ثانیاً مسؤولین شبکه‌های بهداشت و درمان و همچنین مدیران آموزشگاه‌های بهورزی زمینه‌ای را فراهم کنند تا مربیان این آموزشگاه‌ها آموخته‌های خود در این کارگاه را در حوزه‌های کاری خود اجرا کنند.

References

1. Baghaie Lakeh M, Atr Kar Roshan Z. A Comparision of two Teaching Strategies: Lecture and PBL, on Learning and etaining in Nursing Students. Journal of Guilan University of Medical Sciences 2003; 12(47): 86-94. [In Persian].
2. Taylor C, Lillis C, LeMone P. Fundamentals of nursing: the art and science of nursing care. Philadelphia: Lippincott; 2001.
3. Lowenstein AJ, Bradshaw MJ. Fuszard's innovative teaching strategies in nursing. New York: Aspen Publishers; 2001.
4. Morales-Mann ET, Kaitell CA. Problem-based learning in a new Canadian curriculum. J Adv Nurs 2001; 33(1): 13-9.
5. Hewitt-Talor J. Self-Directed Learning: View of Teachers and Students. J Adv Nurs 2001; 36(4): 490-504.
6. Johnston AK, Tinning RS. Meeting the challenge of problem-based learning: developing the facilitators. Nurse Educ Today 2001; 21(3): 161-9.
7. Celia LM, Gordon PR. Using problem-based learning to promote critical thinking in an orientation program for novice nurses. J Nurses Staff Dev 2001; 17(1): 12-7.

8. Beeson SA, Kring DL. The effects of two teaching methods on nursing students' factual knowledge and performance of psychomotor skills. J Nurs Educ 1999; 38(8): 357-9.

9. Carey L, Whittaker KA. Experiences of problem-based learning: issues for community specialist practitioner students. Nurse Educ Today 2002; 22(8): 661-8.

10. Conway J, Sharkey R. Integrating on campus problem based learning and practice based learning: issues and challenges in using computer mediated communication. Nurse Educ Today 2002; 22(7): 552-62.

11. Garet MS, Porter AC, Desimone L, Birman BF, Yoon KS. What Makes Professional Development Effective? Results from a National Sample of Teachers. Am Educ Res J 2001; 38(4): 915-45.

12. Trigwell K, Prosser M, Waterhouse F. Relations between teachers' approaches to teaching and students' approaches to learning. Higher Education 1999; 37: 57-70.

13. Mohammadi B, Valizadeh S, Lak Dizeji S. The Impact of Teaching on Knowledge, Attitude and Practice of Nursing and Midwifery Instructors in Regard to Clinical Education Effective Behaviors, Tabriz University of Medical Sciences. Iranian Journal of Medical Education 2003; 3(9): 60-6.

14. Ataollahi M. Comparision of effectiveness of two educational methods (lecture and Problem Base Learning) on learning of nursing students [MSc Thesis]. Tehran: Shahid Beheshti University of Medical Sciences; 1996. [In Persian].

15. Khan I, Fareed A. Problem-based learning variant: transition phase for a large institution. J Pak Med Assoc 2001; 51(8): 271-4.

16. Karimi Moonaghi H, Dabbaghi F, Oskouie F, Vehvilkinen-Julkunen K. Learning Style in Theoretical Courses: Nursing Students' Perceptions and Experiences. Iranian Journal of Medical Education 2009; 9(1): 41-54. [In Persian].

17. Mohammadi M, Zinaloo AA, Geranmayeh M, Soheili A, Arefanian H. Review of the viewpoints of the faculty members of Tehran University of Medical Sciences on the current problems in educational programming at the university. Iranian Journal of Medical Education 2002; 2(3): 39. [In Persian].

18. Khadivzadeh T, Drakhshan A, Saif AA, Valae N. Relation between students' use of learning and study strategies and their academic and personal characteristics in Mashad University of Medical Sciences, 1999. Iranian Journal of Medical Education 2002; 2(3): 35-7. [In Persian].

19. Nohi E, Haghdost A, Farajzadeh S. The impact of teaching methodology workshops on knowledge, attitude and practice of the medical teachers. Journal of Gazvin University of Medical Sciences 2002; 6(2): 5-9. [In Persian].

20. Soltani Arabshahi SK, Karimi H, Ghaderi A. The Effect of educational workshops on appropriate design of lesson plan & application of different levels of cognitive domain in faculty staff of (Shaheed Sadooghi's) Yazd University of medical sciences. In 2000-2001: an Iranian experience. Journal of Medical Education 2003; 4(1): 11-5. [In Persian].

21. Bazrafkan L, Nikseresht AR, Bazargany A. Need assessment of medical education's general objectives in basic sciences & physiopathology periods according to intern's views. Iranian Journal of Medical Education 2002; 2(3): 18. [In Persian].

22. Hassanian M. Leadership Style of the Heads of the Departments in Hamadan Iranian. Journal of Medical Education 2004; 4(2): 117-22. [In Persian].

23. Moattari M, Moghaddasi M, Mousavi Nasab M, Razavieh A. The Effect of Clinical Education Workshop on Nursing and Midwifery Instructors' Effective Behaviors in Clinical Education. Iranian Journal of Medical Education 2006; 6(2): 97-106. [In Persian].

24. Noohi E, Azizi F, Soheil Arshadi F, Hagh Doost AA. Surveying the effect of readiness for self-directed learning on problem-based learning in general practice trainees. Pejouhesh 2001; 25(3): 179-82. [In Persian].

25. Navaebrahim A, Karimi V. A Study of Relationship between Triple Skills of Department Chairs and Improvement of Educational Quality. Quarterly journal of Research and Planning in Higher Education 2006; 12(1): 61-78. [In Persian].

26. Mansourian HR, Shoja MR, Salimi T, Mojahed S, Karimi H, Aghili H, et al. Evaluating the course plan status of faculty staff of shahid Saduoghi University of Medical Science of Yazd in the year 2002. Iranian Journal of Medical Education 2002; 2(3): 38. [In Persian].

The Impact of Educational Workshops on Knowledge of Instructors of Health Centers about Teaching and Learning Processes, Isfahan, Iran

Hossein Shahnazi[1], Gholamreza Sharifirad[2], Abolrahman Charkazi[3], Mitra Moodi[4]

Abstract

Background: Because of educational responsibilities and direct contact with people, health personnel (known as Behvarzes in Iran) need to be properly educated. Therefore, educating and empowering the instructors of health centers (or Behvarzi centers) regarding teaching and learning processes, such as selection of educational objectives and using appropriate educational technology, can positively affect the training of high-quality forces and decreasing costs. This research was hence conducted to assess the impact of educational workshops on the knowledge of instructors of Behvarzi centers about teaching and learning processes.

Methods: In a quasi-experimental study with pretest-posttest design, included the whole target population (n = 107) using census sampling. Data was collected with a self-administered questionnaire which was designed based on study objectives. The reliability of the questionnaire was assessed using Cronbach's alpha coefficient (75%). Questionnaires were completed by the participants before and after the educational intervention. Finally, the collected data was analyzed by chi-square, Mann-Whitney, paired-t, and Pearson's correlation tests in SPSS.

Findings: From 107 people, who participated in the workshop, 39.3% were men and 60.7% were women. Their age ranged from 24 to 54 years old (mean age: 37.6 ± 6.3 years). The results of this study showed that after the educational workshop, the knowledge of participants increased significantly in all aspects of teaching and learning processes ($P < 0.001$).

Conclusion: Results of this study and other similar studies imply the effectiveness of participatory approaches in better understanding of teaching and learning techniques. Therefore, the more and better use of such approaches including group discussions and brain storming is highly recommended.

Keywords: Knowledge, Practice, Teaching, Learning, Isfahan

1-PhD Candidate, Student Research Committee, Department of Health Education and Health Promotion, Department of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.
2- Professor, Department of Health Education and Health Promotion, Department of Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. (Corresponding Author).
Email: sharifirad@hlth.mui.ac.ir
3- PhD Candidate, Department of Health Education and Health Promotion, School of Health, Golestan University of Medical Sciences, Golestan, Iran.
4- PhD Candidate, Department of Health Education and Health Promotion, School of Public Health, University of Birjand, Birjand, Iran.